

از مهمترین و اولیه ترین نتایج این سقوط، خلاصی زنان از یوغ یک نظام عمیقاً ارتجاعی و ضد زن در ایران و پر وبال گرفتن جنبش آزادی زن در کل منطقه تحت سلطه اسلام است.

جنبش آزادی زن یکی از مهمترین و سرسخت ترین دشمنان رژیم اسلامی است. جدال زنان با این رژیم از روز نخست آغاز شد. جنبش آزادی زن آنتی تز نظام اسلامی است. همراه با تولد این رژیم، آنتی تز آن نیز متولد شد. رژیم اسلامی سی سال پیش با شعار "یا روسری یا توسی" به زنان هجوم برد. یک آن کشمکش میان این رژیم و جنبش آزادی زن متوقف نشده است. جمهوری اسلامی کوشید تا ارتجاع عتیق اسلامی را توسط مدرن ترین و پیچیده ترین دستگاه سرکوب در جامعه پیاده کند. از طریق شکنجه و کشتار هزاران انسان حجاب سیاه اختناق بر سر جامعه کشید. بنیان های آپارتاید جنسی را مستقر کرد. زنان را به زیر حجاب اسلامی برد.

زنان یک لحظه از مقاومت در مقابل این احکام ارتجاعی اسلامی دست برنداشتند. علیرغم اسارت، شلاق، شکنجه، تجاوز، اعدام و سنگسار بر حقوق خود پای فشرده کردند. کوتاه نیامدند. هر بار که در مقابل هجوم سبعانه این رژیم عقب نشستند، نیروی خود را ترمیم کردند و قدرتمند تر به سنگرهای ارتجاع حمله ور شدند. در این جدال همیشه زنده ی جنبش آزادی زن با رژیم، مبانی اسلام به لرزه افتاد. از حسین پارتی های شب عاشورا تا اجرای نماز جمعه مختلط، این "مقدسات" اسلام زن ستیز و عقب مانده است که به سخره کشیده شده است.

اهمیت اصلی نماز جمعه هفته پیش در این تقدس شکنی ضد اسلامی آن نهفته است. ملی - اسلامی ها و جریان اصلاح طلب دولتی ممکن است بکوشند نمایش قدرت مردم را در روز جمعه به پای خود بنویسند. آن را نشانی از حمایت از جناح موسوی - رفسنجانی قلمداد کنند. این تحلیل خود خدمت کن در این شرایط اهمیت چندانی ندارد. از روی استیصال و لاعلاجی است. همه دیدند که زنان شجاع و آزادیخواه در این روز کمر اسلام را شکستند. حضور زنان "بدحجاب" آرایش کرده که در میان مردان نماز میگذاشتند (اگر بخواهیم به سیک خمینی بگوییم) لگدی بود بر بیضه اسلام. این نماز جمعه را باید در تاریخ ثبت کرد. این یک ضربه مهم به اصول و اساس اسلام بود. نشان داده شد که مردم برای اسلام تره خورد نمیکنند. تمام خرافه هایی که با اسم مقدسات به خورد

نماز جمعه و لگد به "بیضه اسلام"



آذر ماجدی

نماز جمعه هفته پیش یک نقطه عطف مهم در تاریخ

جمهوری اسلامی بود. نه بخاطر سخنان رفسنجانی و یا مانور باصطلاح "زیرکانه" او. بلکه بخاطر بلایی که مردم بر سر اسلام آوردند. از یک هفته پیش از آن ملی - اسلامی ها و جریان توده ای - اکثریتی به درگاه رفسنجانی استغاثه کردند و به او هشدار دادند که سازش نکند. رسانه های غربی و "میز های ایران" شان از نام رفسنجانی اشباع شد. آبا و اجداد رفسنجانی را توضیح دادند و تفسیر کردند. چشمان این رسانه ها و ملی - اسلامی ها به رفسنجانی خیره شد. سوال این بود: آیا این امامزاده معجزه خواهد کرد؟

رفسنجانی همانگونه که انتظار میرفت کوشید و رای جناح ها قرار گیرد. در ژست رهبر نظام ظاهر شد. کوشید به شکلی مردردانه مانور دهد. اما مساله اینجاست که اوضاع سیاسی آنچنان پیش رفته است که فضایی برای مانور برای این جلادان باقی نمانده است. خیزش شورانگیز و شجاعانه مردم، تداوم مبارزات آزادیخواهانه مردم علیرغم سرکوب خشن و بیرحمانه رژیم، ناقوس مرگ نظام را به صدا درآورده است. از این رو است که دعوای دو جناح این چنین بالا گرفته است. حفظ نظام هدف همه شان است. اما شرایط به گونه ای است که نه راه پس دارند و نه راه پیش. این معما لاینحل تر از آنست که رفسنجانی "زیرک" از پس آن برآید. بوی الرحمن رژیم شان را شنیده اند. هر تاکتیکی که اتخاذ میکنند، گودال زیر پایشان را عمیق تر میکند.

رژیم رفتنی است. در این روزها این حکم مردم هر چه بیشتر دارد به عمل نزدیک میشود. مرگ این رژیم فقط به معنای خلاصی مردم ایران از این نظام ارتجاعی و زن ستیز نیست. سرنگونی رژیم اسلامی تاثیرات مهم و جدی در کل منطقه دارد. اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی سریعاً به حاشیه رانده خواهد شد. یکی

مصاحبه به علی ظاهری
سکولاریسم

صفحه ۳

پیام آذر ماجدی به مادران داغدار و مضطرب
این جلادان را به محاکمه بکشائیم

صفحه ۲

شادی صدر ربوده شد!

صفحه ۷

جانان شرمستان باد!

تک تک تان را محاکمه خواهیم کرد!

صفحه ۶

ستم بر زن موقوف!

نماز جمعه و لگد به "بیضه اسلام"

مردم داه اند در مقابل چشمان حیرت زده جهان دارد دود میشود و به هوا میرود.

خیزش مردم علیه رژیم اسلامی همان کاری را با اسلام میکند که انقلاب کبیر فرانسه با مسیحیت و کلیسا در غرب کرد. سرنگونی رژیم اسلامی چالشی مهم و اساسی برای اسلام نه فقط در ایران

پیام به مادران داغدار و مضطرب

آنر ماجدی

مادران!

قلب های شما اکنون آغشته به درد و انباشته از غم و اضطراب است. مادرانی که فرزند دلبنده خود را در نبردی نابرابر با این رژیم جنایتکار از دست داده اند اکنون غمی جانکاه بر قلب هایشان سنگینی میکند. برای یک مادر و پدر هیچ دردی با درد از دست دادن فرزند برابری نمیکند. بعنوان یک مادر خود را صمیمانه در درد و غمتان سهیم میدانم و شجاعت و استقامت تان را تحسین میکنم.

مادرانی که از فرزندان خود بیخبرند، مادرانی که هر روز به زندان اوین میروند تا خبری از جگرگوشه گانشان بدست آورند، با اضطرابی کشنده دست و پنجه نرم میکنند. هر روز با امید و انتظار روانه این مسیر شوم میشوند. هر روز با خشم فرو خورده در مقابل این اسارتگاهی که درد و فریاد و مرگ هزاران جوان را در خود محبوس ساخته است، اجتماع میکنند. آنها فقط میخواهند بدانند که بر فرزندان شان چه گذشته است. اما این جلادان با ریشخند درد و رنج این مادران را نظاره میکنند.

فرزندان شما به قهرمان بدل شده اند. فرزندان شما برای آزادی به خیابان ها آمدند. فرزندان شما، این انسان های شریف و آزادیخواه مایه افتخار اند. ندهاها، سهراب ها، یعقوب ها، اشکان ها و ترانه ها بعنوان جوانان پرشوری که در راه آزادی جان باختند نامشان در تاریخ به ثبت خواهد رسید. یعقوب در لحظات واپسین دست در دست مادرش نهاد و به او گفت که "من برای آزادی می میرم." اگر سهراب، ندها، اشکان و ترانه هم میتوانستند با مادران خود وداع کنند، همین را میگفتند.

مادر سهراب با شجاعت و صلابت ستودنی از سهراب و از تلاش او سخن میگوید و تلاش سهراب را در سال ۱۳۸۸ با تلاش خود در ۱۳۵۷ برای به زیر کشیدن نظام سلطنت مقایسه میکند. او روحیه سازش ناپذیر و رزمنده مادران ایران را نمایندگی میکند. میرحسین موسوی و زهرا رهنورد در برابر شجاعت، استحکام و صراحت او مبهوت و عاجز میشوند. آنها باران خواسته بودند، سیل دریافت کردند. آنها خوب میدانند که قادر نخواهند بود این شعله های خشم را خاموش کنند. خوب میدانند که توان ساکت کردن این قلب های درد کشیده را ندارند. آگاه اند که مردم به چیزی بجز سرنگونی رژیم اسلامی رضایت نخواهند داد.

میر حسین موسوی خود یکی از مسببین شکنجه و قتل و عام صدها جوان در زندان های جمهوری اسلامی است. موسوی خوب میداند

بلکه در سطح جهان است. یک عصر نوین روشنگری آغاز میشود. در طول تاریخ، اسلام هیچگاه به این شکل به مصاف طلبیده نشده است. با سرنگونی رژیم اسلامی، نور و امید به یک دنیای روشن تر و بهتر در منطقه پدیدار میشود. جنبش آزادی زن و سکولار شکوفا میشود و سریعاً رشد میکند. آزاد اندیشی و خلاصی از خرافات دینی باب میشود. در اثر شکست رژیم اسلامی، فقط اسلام سیاسی حاشیه ای نمیشود، اسلام بعنوان یک دین و ایدئولوژی نیز تضعیف میشود. جنبش آزادی زن در این دستاورد نقشی بس مهم و اساسی ایفاء کرده است. ■

که مادران و پدران بسیاری در کمین او نشسته اند تا بعنوان یکی از مسببین قتل و عام دهه ۶۰ در زندان های رژیم او را به محاکمه بکشانند. بهت و استیصال او در مقابل سخنان مادر سهراب بروزی از هراس درونی او در مقابل عدالت خواهی هزاران مادر و پدر داغدیده است.

مادران!

حاصل سه نسل سرکوب و کشتار، هزاران هزار مادر داغدیده است. این مادران دشمنان سرسخت و آشتی ناپذیر جمهوری اسلامی اند. تمام مادران را به مبارزه مشترک برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوانید. زندان اوین را به محل تجمع هر روزه برای آزادی زندانیان سیاسی بدل کنید. در این مبارزه تنها نیستید. نه تنها تمام مادران داغدار، بلکه مردم را به همراهی در مبارزه



برای آزادی زندانیان سیاسی فراخوانید.

رژیم درگیر آخرین نبرد حیات اش است. باید این رژیم را به زیر کشیم. باید تمام سردمداران آن را برای جنایات شان به محاکمه بکشانیم. محاکمه سران رژیم و مسببین کشتار هزاران هزار انسان بهترین التیام درد جانکاه مادران داغدیده است. باید آرزوی فرزندان دلبندهمان را متحقق کنیم. باید نشان دهیم که مبارزه آنها و از خود گذشتگی شان بی حاصل نبوده است. آزادی، برابری و رفاه خواست میلیون ها انسانی است که در کمین این رژیم نشسته اند. رژیم اسلامی را به زیر کشیم. اسارتگاه سیاه و شوم اوین را فتح کنیم. این جلادان را به محاکمه بکشانیم و آزادی، برابری و رفاه را به ارمغان آوریم.

مرگ بر جمهوری اسلامی

۲۴ تیر ۱۳۸۸ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹

رهائی زن همین امروز!

سکولاریسم

مقوله سکولاریسم یا لائیسیته به یکی از بحث برانگیزترین مسائل در میان جنبش‌های اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون رژیم اسلامی بدل شده است. سی سال حکومت خشن مذهبی این خواست را به یکی از مهمترین خواست‌های جامعه بدل کرده است. از نظر سازمان آزادی زن، سکولاریسم یک شرط لازم آزادی و برابری زنان است. عروج و قدرت‌گیری جنبش‌های مذهبی در جهان در

دو سه دهه اخیر، سکولاریسم را در سطح جهان در مرکز مباحث اجتماعی - سیاسی قرار داده است.

تشریح آزادی زن سوالاتی در این رابطه تهیه کرده که به تعدادی از فعالین حقوق زن، و به سازمان‌های اپوزیسیون ارسال داشته است. در هر شماره یک یا دو مصاحبه ای را که به دست مان رسیده است، منتشر می‌کنیم. از فعالینی که علاقمندند در این بحث شرکت کنند دعوت می‌کنیم که با ما تماس بگیرند.

اتاتورک را در ایرن اجرا کند. طرح کشف حجاب رضاخان نمونه ای از بود اما از سویی دیگر خود شاه پای پیاده به قم می‌رفت یا با فرح پشت سر فلان آخوند در شیراز نماز می‌خواند. از سویی برای پیشبرد طرح هایش مانند انقلاب سفید جنبش مذهبی و خرده بورژوازی آخوندی را جلوی خود می‌دید از طرفی برای تحمیل مردم و سرکوب و سفت کردن فضای اختناق به مذهب‌بینون احتیاج داشت. دوگانگی برخورد حکومت پهلوی با مذهب مدرنیسم ناقصی تحویل جامعه ایران داد که از دل ان یکی از کثیف‌ترین حکومت‌های مرتجع تاریخ بیرون زد. در یک ابستراکت دیگر البته شاید به بحث شما ربطی نداشته باشد مخالفت اینها با مذهب به خصوص اسلام بیشتر از سر عربی بودن و دست بردن به انبار ایرانی گری و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است البته این بحث امروز در صفوف راست‌های پروغرب وجود دارد در زمانی که قدرت سیاسی داشتند دستگاه مذهبی را تا گلو تغذیه می‌کردند. کلا در دوره حکومت پهلوی شاهد تلاش جدی برای سکولاریزه کردن جامعه نبودیم.

پرسش: اگر بپذیریم که فرهنگ امری ایستا و ثابت نیست، آیا می‌شود متوقع بود که فرهنگ یک جامعه بعد از تغییر یک حکومت در یک زمان کوتاه دچار تغییری بنیادی شود؟
پاسخ: مسلماً. تغییر در هر

است که می‌خواهد بنیادها و نهاد‌های اجتماعی را از تسلط مذهب خارج کند. لائیسیتسم تا انجایی که قصد جدا کردن نهاد‌های دولتی از مذهب را دارد شبیه سکولاریسم است. با این تفاوت که سکولاریسم یک حوزه گسترده‌تر از قداست زدایی و باورهای خرافی و مذهبی جامعه است. اما لائیسیتسم بیشتر به نسبت میان دولت و دین مربوط می‌شود که مبتنی است بر: ۱- جدایی جامعه مذهبی از قدرت سیاسی. ۲- تاکید بر بی دینی کارکنان رسمی و عدم پایبندی آنها به شعائر مذهبی. دولت فرانسه از ۱۹۰۵ یک دولت لائیک است. دولت ترکیه از ۱۹۲ تا کنون یک دولت لائیک است. لازم به ذکر است بعضاً بر افرادی که ضد مذهب هستند ترم لائیک اطلاق می‌شود.

پرسش: آیا از نظر شما حکومت پهلوی در عرصه اقتصاد و سیاست یک حکومت سکولار بود؟ اگر بود، پس وجود آخوند درباری (کارکرد دین در سیاست) را چگونه می‌شود توجیه کرد؟

پاسخ: ایداً. حکومت پهلوی را در عرصه سیاست ایداً نمی‌توان یک حکومت سکولار خواند. البته می‌شود گفت نسیمی از سکولاریسم در ان وزیده بود. مذهب یک جز لاینجزای سلطنت بوده است و این دو همیشه لازم و ملزوم یکدیگر بوده اند. شاه سایه خدا در زمین بوده است. مثال‌ها در این زمینه بسیارند. حکومت پهلوی از سویی می‌کوشید مدل

راستش بیشتر باید در نفرت ضد مذهبی مردم جستجو کرد. از مذهبی‌ترین شاخه‌های اپوزیسیون حتی خود ایدئولوگ‌های نظام شعار سکولاریسم می‌دهند. به غیر از نیروهایی که جدا مدرن و ضد مذهب هستند باقی‌به‌قولاً تاکتیک می‌زنند و فعلاً جرات دفاع از مذهب را در برابر مردم جان‌له لب آمده از مذهب ندارند. جتی سازمان مجاهدین که روزی به کمتر از قبضه کردن قدرت مذهبی رضا نمی‌داد امروز شعار سکولاریسم می‌دهد. زمانی خانم رجوی ۹۰ درصد جامعه ایران را مسلمان می‌خواند و ده درصد باقی‌را متعلق به باقی‌مذاهب می‌دانست اما امروز پذیرفت شعار سکولاریسم از چنین جریان‌های نمایانگر تغییرات عمیقی در جامعه ایران است. ایدولوگ‌های درون حکومت صدها کتاب می‌نوشتند که سکولاریسم و تفکر این جهانی را از رنگ بیاندازند اما امروز تمام ارتش قلم به دستانشان سعی می‌کنند کمتر از این حرف‌ها بزنند در یک کلمه باید بگویم دفاع از مذهب کار اسانی است بغیر از حزب دموکرات که جدیداً سازمان اسلامی تاسیس کرده است و اوج ورشکستی ناسیونالیسم کرد را با خوش خدمتی برای اسلامی‌ها باد زده است باقی همه در شعار جدایی دین از دولت متفق‌القولند.

پرسش: چه فرقی بین لائیسیته و سکولاریسم هست؟
لائیسیتسم به معنای نگرشی



مصاحبه با علی ظاهری

علی ظاهری کادر حزب اتحاد کمونیسم کارگری-عضو سازمان آزادی زن

پرسش: مدتی است که بحث سکولاریسم در داخل و خارج ایران گسترش پیدا کرده. عده ای می‌خواهند دین را از دست دولت در بیاورند و به عرصه خصوصی ببرند و عده ای دیگر می‌خواهند دولت را از چنگال دین بیرون بیاورند. تعریف شما از سکولاریسم چیست؟

پاسخ: سکولاریسم به معنی جدایی دین از تمامی امور عمومی اجتماع است. این تفکر بیشتر بر بستر عصر روشنگری در اروپا شکل گرفت جدایی دین از سیاست و جدایی کلیسا و حکومت بر پایه مبانی سکولاریسم شکل گرفتند. سکولاریسم در اساس با این جهانی بودن و در تضاد با متافیزیک و رنگ روحانی به دنیا زدن قرار دارد. بحث‌های اخیر سکولاریسم بیشتر بار سیاسی دارد. اما مشخصه بحث‌های اخیر این است که اولین بار در تاریخ تمام جنبش‌های اجتماعی در ایران شعار سکولاریسم می‌دهند. اینرا

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

رود اما دامن زدن قوانین اسلامی به این پدیده عصر حجر را نمی توان نادیده گرفت. همین امروز جامعه ایران تا حد زیادی مرزهای مردسالاری و نابرابری زن و مرد را در هم نوردیده است. اخلاقیات ضد زن و تعصبات مذهبی در میان مردم بیش از همیشه رنگ باخته است. اما این نابرابری در قانون جامعه به لطف دولت کثیف جمهوری اسلامی وجود دارد. زن در خانواده آنقدر بی حقوق نیست که در قانون جمهوری اسلامی بی حقوق است. اگر به افکار عمومی رجوع کنید کمتر کسی را می بیند که از این قوانین حمایت کند و بیاید بگوید بر فرض مثال من موافق قانون خانواده یا سنگسار هستم. تغییر قوانین در یک جامعه به منزله تغییر فرهنگ جامعه به طرفه العین نیست اما وقتی افکار احاد یک جامعه با قوانین موجود نمی خواند این قوانین بیشتر به شکل یک وصله ناجور دیده می شود تغییر قوانین قرون وسطایی در ایران می تواند به منزله عقب راندن به درجه زیاری فرهنگ مردسالار باشد. امروز سیاست کلی در جمهوری اسلامی به گونه ای است که هر کس میزان حماقت و جنایت و نفرت ضد بشری بیشتری از خود نشان بدهد بیشتر پوئن کسب می کند این از تاکتیک های رژیم کثیف اسلامی است روزی متفکر و روشنفکر و اصلاح طلب می شوند یک روز مستقیم با زبان مرتجعین و جلاذینی چون عشرت شایق و جلو می آیند. اما حکم این جلاذ بیش از هر چیز نمایانگر رشد و پیشرفت جنینش زنان و همچنین شکست اسلامی ها برای اسلامیزه کردن جامعه و خانه نشین کردن زنان است. حالا که با زندان و سرکوب و

قرار گرفته است که به راحتی نمی توان انرا نادیده گرفت وضعیت تا جایی پیش رفت که مصباح یزدی ۹۰ درصد جوانان را فراری از دین نامید. حداد عادل از گشتترش سکولاریزم در دانشگاه ها هشدار داد. اینها سی سال با زور و ضرب نتوانستند مزخرفات خود را در ذهن مردم کنند حالا با فلسفه و شعیده بازی جلو آمده اند دست امثال سروش و گنجی برای مردم ایران رو شده است این ها اسب صد بار باخته را شرط بندی می کنند. یک قطره سکولاریزم در جامعه ایران یک شبه طومار امثال سروش و گنجی را در هم می پیچد. اسلام و مذهب نماینده ارتجاعی ترین جنبش های ضد اجتماعی ایران است. نمایندگان اینها برای نجات دستگاه لغت و لیسانس ممکن است هزار و یک ترم اختراع کنند این در حالی است که آقای گنجی پاسدار دیروز مبشر فلسفه هرمنوتیک شده است یعنی دنیا را می توان به هر دیدی تفسیر کرد اما این دنیای ایشان است دنیای مردم و جنبش های اجتماعی مترقی ایران با عینیات سرو کار دارد!

پرسش: با توجه به نقش مذهب در سی سال گذشته در تمامی نهادهای دولتی و غیر دولتی جامعه ایران، آیا می شود با تغییر قوانین موجود در جامعه، تعصبات مردسالارانه و ضد زن را در میان خود زنان از بین ببرد؟ از جمله مرتجعین زن ستیزی چون عشرت شایق نماینده مجلس اسلامی که گفته است: "اگر ده زن خیابانی اعدام شوند، دیگر زن خیابانی نخواهیم داشت!"

پاسخ: البته تاریخ مردسالاری و ستم بر زنان از عمر جمهوری اسلامی فراتر می

را باید در متن تحولات تاریخی که در ان اتفاق افتاده است بررسی کرد در مورد فرانسه این دوره مصادف بود با دوره بعد از انقلاب کبیر فرانسه که نیروهای پیاخاسته از انقلاب به مبارزه شدیدی بر علیه مذهب دست زدند نیروهای مذهبی چاره ای جز تسلیم و سر فروآوردن در برابر نیروهای مترقی و انقلابی نداشتند. راستش این تغییر با ریختن کلی خون و مبارزه دامنه دار امکان پذیر شد و اینطور نبود که دستگاه مذهبی کوتاه آمدن از قدرت سیاسی را به راحتی بپذیرد در مورد المان و مسئله یهودیان مسئله در بطن مبارزه فاشیست های آلمانی و آنتی سمیتیزم آن دوره می توان بررسی کرد. روشنفکرانی مانند برونو بائر بودند که یهودیان را به مسیحی شدن دعوت می کردند مارکس این راه حل ها را در جزوه ای به نام نقد مسئله یهود به نقد کشید اما اینها در برابر فشار فاشیست ها مجبور شدند زیر پرچم سکولاریسم برای مدتی به حیات اجتماعی خود تا مقطع جنگ جهانی دوم ادامه بدهند.

اما مسئله امثال سروش و گنجی که از پروتستانیزم اسلامی صحبت می کنند و ایدا لانیستیه و حتی سکولاریزم را حتی در شعار نمی پذیرند. در تئوری اینها هنوز مذهب اسلام و محمد قابل رجوع هستند اینها مشکلی با مذهب ندارند اما جایی که اسلامی ها در برابر روشنگری های ضد مذهبی نیروهای مترقی جامعه و بخصوص چپ ها با توسل به قران و صحیفه سجاده نمی توانستند مقابله کنند امثال سروش و گنجی سعی در دادن روایتی فلسفی تر از اسلام شدند. همین امروز احکام مذهبی و کل دستگاه مذهب زیر هجوم شدیدی از احاد اجتماع

شرایطی امکان پذیر است باید ابزار ان را جستجو کرد. امروز با ابزارهایی از قبیل اینترنت و ماهواره و چاپ سریع کتاب و روزنامه و ابداع تکنیک های آموزشی با بسیج و سازماندهی انسانی که نیاز به تغییر را احساس می کنند هر کاری می شود کرد. اما پیش شرط این تغییر فرهنگی میزان آزادی بیانی است که در جامعه وجود دارد میزان امکاناتی است که برای ان امر تخصص می گیرد در یک جامعه سوسیالیستی امکان هر کاری وجود دارد. اما باید دید این تغییر به چه نوعی است اگر صرفا عوض شدن این جناح سرمایه با ان جناحش باشد پاسخ من منفی است تغییر رژیم کمکی به تغییر فرهنگ نمی کند. اما برای مثال بگویم در مدت کوتاهی که آزادیخواهان به فاصله انقلاب ۵۷ و سی خرداد شصت امکان تبلیغ داشتند توانستند به مدد پراتیک و فعالیت خود فرهنگی یک نسل از جامعه را عوض کنند. این امر به خصوص د ایران امکان پذیر است. زیرا ایران جامعه ای است که استعداد هر نوع تغییری دارد اصولا فرهنگ مردم از حکومت ها کیلومتر ها چلوتر است. البته نقش این حکومت ها در عقب نگه داشتن مردم را نباید نمی توان گرفت. اما در یک دوره آزاد هر کاری می توان کرد.

پرسش: در آلمان و فرانسه ما شاهد سکولار شدن بخشی از مسیحیان و یا یهودیانی بودیم که در یک روند تاریخی و اجتماعی رفته رفته به یک فرهنگ سیاسی تبدیل شد. از نظر شما تصور یک مسلمان (عبدالکریم سروش و اکبر گنجی) سکولار و لائیک در جامعه ایران امکان پذیر است؟

پاسخ: سکولاریزم این نوع جریاناتی که به ان اشاره کردید

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

سکولاریسم و لائیسیته را برای برقراری آزادی و برابری زن و مرد کافی ارزیابی می کنید؟

پاسخ: ایجاد جامعه ای سکولار و وضع قوانینی به نفع زنان اولین قدمی است که در راستای آزادی و برابری زنان و مردان یک جامعه می توان برداشت. اما صدا البته این کافی نیست. چرا که ما شاهدیم در جوامع به اصطلاح سکولار هنوز آزادی زنان به طور کامل مشهود نیست در محیط کاری و محیط خانه زنان تحت استثمار و بی حقوقی هستند. اجحافات زیادی در این زمینه در حق زنان انجام می گیرد. تا جایی که مناسبات تولیدی دست و پای انسانها را بسته است صحبت از آزادی و برابری یک امر صوری است. این امر فقط در جامعه کمونیستی امکان پذیر است. شرط آزادی زنان و مردان آزادی کل جامعه است و این صورت نمی گیرد مگر آنکه دست و پای انسان از شر مناسبات تولید راحت شود. تازه این مرحله اول است اینها تماما آزادی معنی می شود اما آزادی خلاقیت ها و اخلاقیات جدید در جامعه نوین می تواند معضل نابرابری زن و مرد را در مورد خاص و نابرابری در کل را یک جا ریشه کن کند. در همین غرب به اصطلاح مدرن مردم از شر مذهب نسبتا آزادند. اما هنوز زنجیر محکم تری به نام مناسبات اقتصادی بر دست و پایشان است. آزادی از شر سرمایه و مذهب و پا گذاشتن انسان به دنیای نوین پاسخگوی مسئله است. ■



جنسی است. اما این امر به سادگی امکان پذیر نیست جنبش های سکولار امروز باید به درستی ظرفیت های اعتراضی جنبش زنان را تشخیص دهند و در رویی اسلامی ها با زنان خصلت سکولاریزه ای به جنبش زنان داده است. در رابطه با داخل کشور اولین پیشنهاد من گرد آمدن حول ظرفی مناسب برای پیشبرد امر مبارزاتی است. سازمان آزادی زن مناسب ترین و رادیکالترین ظرف موجود است. نه اینکه ما بخوایم تعریف بی خود کرده باشیم واقعیات ابژکتیو و حساسیت های سیاسی این سازمان نشاندهنده رادیکالیسم آن است. قدم دوم عقب راندن و حاشیه ای کردن جنبش ملی اسلامی است باید شراینها را از سر جنبش زنان جمع کرد. باید اینها را رسوا کرد اینها فرق چندانی با همان عشرت شایق ندارند سر و ته کرباسند. فمینیسم به خودی خود شیر اطمینان سرمایه داری برای خالی کردن اعتراضات زنان است نوع اسلامی اش هم دقیقا چنین نقشی دارد اینها فقط صرفا مانند اسلافشان خواستار کنترل و دهانه زدن به جنبش زنان هستند. در رابطه با خارج کشور فکر می کنم اول فعالین خارج کشور باید صدای جنبش آزادی زن را در سطح دنیا زنده نگه دارند و ارتباط این جنبش را با سازمانهای جهانی حفظ کنند. ثانیا مداوم باید بر علیه تصویری که مدیا و رسانه های غرب هر روزه از اسلامی بودن جامعه ایران و چرندیاتی چون نسبیت فرهنگی بجنگند. به لطف پراتیک سازمان های رادیکال مدافع حقوق زن این امر تا حدودی برآورده شده است اما هنوز کافی نیست کوهی از کار وجود دارد.

پرسش: آیا دستیابی به

در امریکای لاتین خبر می دهد. اقدامات فوری که می توان انجام داد را به نظرم می توان در دو بخش خلاصه کرد: وضع قوانین بر علیه خشونت بروی زنان و بالابردن سطح امنیت زنان به واسطه راههای مختلف بعنوان مثال در هلند دستگای در اختیار زنانی که در معرض تهدید قرار دارند می گذارند که به محض احساس خطر با فشار یک دکمه پلیس در عرض ۵ دقیقه در محل حاضر می شود. یا دادگاه به مرد خاطی حکمی می دهد که استرات فرید معروف است یعنی ممنوعیت ورود به خیابانی که همسر سابق یا زن تهدید شده در آن زندگی می کند. دومین اقدامی که می توان در این زمینه انجام داد تامین زندگی تک تک افراد جامعه است تا کسی برای نداشتن درآمد مجبور بزنگی با کسی نباشد. مسلما اقدامات دیگری را هم می توان در دستور کار قرار داد.

پرسش: آیا شکستن آپارتاید جنسی موجود را ضرورتی برای دستیابی به سکولاریسم ارزیابی می کنید؟ نقش زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب تا چه حد در پیشبرد این امر مهم است؟

پاسخ: آپارتاید جنسی یکی از سدهایی است که جنبش های سکولار در ایران با آن روبرو هستند. امروز جنبش خلاصی از مذهب با جنبش احقاق حقوق زنان پیوند یافته است. جنبش های سکولار در ایران با رژیم مذهبی قرون وسطایی روبرو هستند که عمیقا ضد زن است از همان روز بر سر کار آمدنش با اتکا به احکام عهد عتیق قصد در به عقب راندن زنان در حیطه اجتماعی داشت. یکی از جبهه های مبارزه علیه مذهب سازمان یافته دولتی حرکت برای شکستن دیوارهای آپارتاید

سنگسار و شلاق و هر ابزار قرون وسطایی نتوانستند صدای زنان را خفه کنند این چنین در روز روشن دندان نشان می دهند. اینها به روز خودش از مردم و زنان معذرت خواهی خواهند کرد اما امروز دیگر بسیار دیر است.

پرسش: خشونت سازمان یافته دولتی را علیه زنان می توان با تغییر حکومت امکان پذیر کرد. اما آیا هیچ تضمینی برای حذف انواع خشونتها در عرصه خصوصی هم وجود دارد؟

پاسخ: البته این امر شدنی است در این زمینه مثال مشخصی بزنم در کشورهای امریکای جنوبی خشونت نسبت به زنان امری رایج است. طبق شواهد آماری حدود ۵۰ درصد از این زنان توسط شوهران یا پدرانشان مورد ازار قرار می گیرند. این امر در رابطه با زنانی که موقعیت یکسان اقتصادی با مردان ندارند تشدید می شود. طبق امار بانک توسعه امریکای جنوبی ۴۱ درصد زنانی که فاقد شغل هستند مورد خشونت مردان قرار می گیرند این در مورد زنانی که شاغل هستند ۱۰ درصد است.

تا کنون حدود ۱۲ کشور امریکای لاتین قوانینی علیه خشونت زنان را تصویب کرده اند. سازمانهای غیر دولتی پناهگاههایی برای زنان ایجاد کرده اند. یکی از مهمترین تغییراتی که رخ داد ایجاد پلیس زنان است که ابتدا در برزیل اجرا شد. وظیفه آنها مشخصا رسیدن به پرونده های خشونت علیه زنان است.

در یک شرایط چنین اقداماتی باید در دستور کار قرار گیرد مسلما اینها کافی نیست. باید برنامه ای برای ریشه کم کردن خشونت علیه زنان ریخت و بودجه ای برای آن تامین کرد. امار تا کنونی از کاهش ۴۱ درصدی خشونت بر علیه زنان

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

سرکوب مخالفین است. اما این بار اینها آنچنان افسار پاره کرده اند که خود از جنایت شان به هراس افتاده اند. از ترس بر ملا شدن شدت سببیت و درندگی شان جنازه ترانه را سوزانده اند، تا آثار جرم شان را پاک کنند.

سازمان آزادی زن صمیمانه به خانواده داغدار ترانه تسلیت میگوید. ما را در غم خود شریک بدانید. به همراه شما برای ترانه گریستیم. بغض همچنان گلوی ما را میفشارد. قلبمان از درد سنگین است. تمام مردم را در غم عظیم تان سهیم بدانید. دنیا از شنیدن این جنایت دردناک به درد آمد. اما باید به این جانین گفت: ترانه را هم کشتید با ترانه آزادی و برابری چه می کنید؟

این رژیم به روزهای آخر عمرش نزدیک شده است. مردم در کمین اینها نشسته اند و تا دستگاه کثیف لغت و لیس و جنایت اسلامی شان را به زیر نکشند از پا نخواهند نشست. مردم برای آزادی، برابری و رفاه به خیابان ها آمده اند. مردم آمده اند تا بساط آپارتاید جنسی را جمع کنند؛ آمده اند تا بساط حجاب اسلامی را برچینند؛ آمده اند تا سرکوب و اختناق، تبعیض و فساد و فقر و فلاکت را جارو کنند.

جانین شرماتان باد! تک تک تان را به محاکمه خواهیم کشاند. تک تک تان را به مجازات خواهیم رساند. هیچکدام تان را راحت نمیگذاریم. باید به سی سال سرکوب و جنایت، سی سال زجر و تحقیری که بر مردم تحمیل کرده اید، پاسخگو باشید. مردم در کمین تان نشسته اند، راه گریز ندارند.

اگر خواستار محاکمه این جانین هستین لطفا پتیشن زیر را امضاء کنید:

www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?mk072009&1

زننده باد آزادی زن!

آزادی، برابری، رفاه

سازمان آزادی زن

۲۶ تیر ۱۳۸۸ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹

برگزار شد. مرد متهم در دادگاه به مروه حمله کرده و وی را با ضربات چاقو به قتل رساند. وی همچنین به همسر مروه که برای دفاع از همسرش دخالت کرده بود حمله و او را نیز مجروح کرد.

بر اساس گزارش روزنامه (تاز) آلمان، آکس به ارتباط خود با حزب نفونازی "ان پی دی" که به داشتن تمایلات راست افراطی نژادپرستانه معروف است، اعتراف کرده است. همچنین روزنامه (سیت) به نقل از دادستان آلمان اعلام کرد: تحقیقات خود را در مورد علت این حادثه آغاز کرده است تا مشخص شود که آیا اسلام ستیزی در این قضیه دخالت داشته یا مخالفت با "مهاجران".

سازمان آزادی زن قاطعانه این جنایت راسیستی را محکوم میکند. بمنظور مقابله با راسیسم و جلوگیری از رشد فاشیسم در جامعه باید قطب آزادیخواهی، برابری طلبی و سکولاریسم را تقویت و تحکیم کنیم و قاطعانه هر دو قطب تروریسم دولتی و اسلامی را طرد و افشاء نمائیم.

زننده باد آزادی زن

زننده باد آزادی، برابری، سکولاریسم

سازمان آزادی زن

۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran



جانین شرماتان باد!
تک تک تان را محاکمه خواهیم کرد!

چند روزی بود که نام و عکس زیبای ترانه موسوی در وبلاگ ها میگذشت. همه از سرنوشت دردناک این دختر و از بلایی که این رژیم جنایتکار زن ستیز اسلامی بر سر این زن جوان آورده، صحبت میکردند. اخبار از دستگیری، شکنجه شدید و تجاوز دستجمعی وحشیانه به ترانه که در روز ۷ تیر در حوالی مسجد قبا دستگیر شده حکایت میکرد. گفته میشد که مرد ناشناسی به خانواده ترانه تلفن زده و از انتقال وی به بیمارستان خبر داده است. گفته که او مشکل "ناموسی" داشته، تصادف کرده و به بیمارستان برده شده است. این جانین به مادر و پدر دردمند ترانه گفته اند که رحم و مقعد او پاره شده است. مادر و پدر به بیمارستان میروند ولی اثر و نشانی از ترانه بدست نمی آورند. فقط یک یک پرستار به آنها میگوید که ترانه را بیهوش به بیمارستان آوردند و بیهوش نیز از بیمارستان بردند. پس از چند روز اضطراب، درد و غم و بی اطلاعی، روز چهارشنبه ۲۴ تیر ماه ۸۸ این مادر و پدر داغیده مطلع میشوند که پیکر سوخته ترانه در بیابان های بین کرج و قزوین پیدا شده است.

شقاوت و ظرافت جنایتکاری این رژیم شهره خاص و عام است. این نظام آدمکش های زنجیره ای است. تجاوز به دختران و زنان در زندان یکی از روش های شناخته شده این جانین اسلامی در

سازمان آزادی زن
Women's Liberation - Iran



جنایت راسیستی

مروه شربینی، زن ۳۱ ساله ای که با همسر خود جهت ادامه تحصیل در شهر درسدن آلمان زندگی می کرد، در مقابل چشم فرزند خردسالش، با ضربات چاقو به قتل رسید. طبق گزارش مطبوعات اروپایی "مروه شربینی" علیه مرد جوانی به نام آکس که او را بخاطر محببه بودن "تروریست" خوانده شکایت کرده بود. دادگاه بررسی به این شکایت روز چهارشنبه هفته گذشته

رهائی زن رهائی جامعه است!

جنبش آزادی زن بشدت در هراسند. ربودن فعالین حقوق زن، تلاشی برای ارباب و ساکت کردن این جنبش است. اما جنبش آزادی زن آگاه است که دیگر نمیتواند در نیمه راه توقف کند؛ میداند که توقف در نیمه راه یعنی تحمل سرکوب بازهم بیشتر و خشن تر. بلایی که این اوباش بر سر ترانه موسوی آوردند قرار است درسی باشد برای تمام زنان و دخترانی که در مقابل "فرمان الهی" ایستادگی میکنند. رژیم اسلامی دارد یکبار دیگر فرمان سی سال پیش را تکرار میکند: "یا روسری یا توسری."

اما، اینها تقلاهای پیش از مرگ است. تصاویر تغییر می بایند. صحنه های پرشور و افتخار آمیزی که در خیابان های کشور آفریده میشود، دارد سرنوشت رژیم اسلامی را رقم میزند. این شجاعت، استقامت و از خود گذشتگی قابل تحسین حاصل عزم جزم شده مردمی است که دیگر بردگی را نمی پذیرد، دیگر سرکوب و اختناق را تحمل نمیکند. ایران اکنون جامعه ای است که شهروندان عادی آن به قهرمانان تاریخ ساز بدل شده اند. این آغاز پایان این رژیم ضد زن اسلامی است. این مزدوران باید بدانند که در مقابل مردم برای تمام این جنایات پاسخگو خواهند بود. همه این جانین را محاکمه خواهیم کرد.

سازمان آزادی زن ربودن شادی صدر و کلیه فعالین حقوق زن را قاطعانه محکوم میکند. راهی سخت و پرمشقت در پیش داریم. اما تا آزادی و برابری فاصله زیادی نداریم. باید به بساط سرکوب و اختناق، زن ستیزی و نابرابری پایان دهیم. اگر خواهان محاکمه این جانین هستید، پتیشن زیر را لطفا امضاء کنید:

www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?mk072009&1

ستم بر زنان موقوف، سرکوب زنان ممنوع، زنده باد آزادی زن
سازمان آزادی زن
۲۶ تیر ۸۸

یا در تهدید اعدام قرار دارند. بعضی از زندانیان در لحظه دستگیری مورد ضرب و شتم نیروهای گوناگون انتظامی رژیم قرار گرفته و مجروح و زخمی هستند. آنها بدون در اختیار داشتن امکاناتی، همچنان در سلولهای انفرادی و زیر سختترین شکنجه ها قرار دارند.

رژیم اسلامی با سببیتی وحشیانه به جان مردم افتاده است و از هیچ شکنجه و جنایتی برای حفظ قدرت فرو گذار نمی کند. مردم حکم به رفتن این رژیم داده اند. باید این رژیم را به زیر کشید. دنیا با احترام و تحسین به مبارزات شجاعانه مردم برای آزادی، برابری، رفاه و به زیر کشیدن رژیم اسلامی خیره شده است. باید حمایت و همبستگی بین المللی را فعالانه به میدان آورد.

سازمان آزادی زن با تمام قوا برای سازماندهی یک همبستگی بین المللی با مبارزات مردم برای آزادی، برابری و رفاه میکوشد. ما برای به محاکمه کشیدن سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت تلاش میکنیم. لطفا این پتیشن را امضاء کنید:

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>

زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن

۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹

سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran



شادی صدر ربوده شد!

به گزارش میدان زنان، اوباش رژیم اسلامی شادی صدر، فعال جنبش حقوق زن را بشکلی وحشیانه در ساعت ۱۱:۳۰ روز ۲۶ تیر ربودند و به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

هنگام حمله به شادی صدر تعدادی از دوستان وی همراه او بودند. شادی صدر ابتدا کوشید با کمک همراهان خود از دست این اوباش فرار کند، اما متأسفانه این تلاش بی ثمر بود و اوباش اسلامی موفق شدند شادی صدر را با خود ببرند.

سرکوب، ترور، شکنجه و اعدام مخالفین رژیم و فعالین حقوق زن، حقوق مدنی و انسانی یک ابزار همیشگی جمهوری اسلامی برای حفظ قدرت بوده است. اما در ماه اخیر، در شرایطی که جنبش مردم برای آزادی، برابری، رفاه علیه این رژیم سرکوبگر ضد زن وسیعاً به میدان آمده و در یک نبرد رودرو با آن قرار گرفته است، جمهوری اسلامی بر ابعاد و شدت سرکوب افزوده است. سرکوب وحشیانه مردم در خیابان ها، دستگیری و ربودن افراد و انتقال آنها به محل های امن برای شکنجه وسیعاً به پیش برده میشود. تاکنون ده ها نفر به وحشیانه ترین شکلی به قتل رسیده اند. ندا، سهراب، اشکان، یعقوب و ترانه تنها چند نام در میان ده ها است.

زنان طی این خیزش عظیم مردمی نقشی بسیار چشمگیر داشته اند. رژیم اسلامی خوب میداند که زنان و جنبش آزادی زن یک دشمن سرسخت نظام هستند. خوب میداند که جنبش آزادی زن به میدان آمده است تا نظام آپارتاید جنسی را به زیر کشد. اوباش اسلامی از

دو زن در خطر اعدام

به "جرم ارتداد"



بر اساس گزارشی از سوی نزدیکان دو زندانی جوان به نامهای مرضیه امین زاده و مریم رستم پور، این دو زن جوان در

خطر اعدام به جرم " ارتداد" هستند. رژیم ایران این دو زن جوان را که در ۱۵ اسفندماه ۱۳۸۷ (۵ مارس ۲۰۰۹) در منازل مسکونیشان در تهران دستگیر شده بودند به جرم اقدام علیه امنیت ملی زندانی کرده است. مرضیه و مریم در هفته های گذشته به بخش زنان زندان اوین منتقل شده اند. در این بخش اکنون تعداد بسیاری از زنان و دخترانی که در اعتراضات اخیر دستگیر شده اند، زندانی هستند. طبق گزارش خانواده ها و وکیل مرضیه و مریم در شرایط حاضر حداقل ۶۰۰ زن در این بخش زندانی هستند.

وضعیت زندانیان بسیار سخت و غیرقابل تحمل است. زندانیان تحت شکنجه های وحشیانه، تحقیر و آزار دائمی قرار دارند. تعدادی از زندانیان زیر شکنجه جان باخته اند و گزارشاتی حاکی از آن است که تعدادی تحت پوشش قاچاق مواد مخدر اعدام شده و

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

شکنجه جان خود را از دست داده اند، تعدادی نیز اعدام شده اند. اینها تقلا های پیش از مرگ رژیم اسلامی است. اما باید قاطعانه به آن اعتراض کرد. باید مانع کشتار بیشتر این رژیم جنایتکار شد. سردمداران رژیم اسلامی باید برای جنایت علیه بشریت محاکمه شوند.

سازمان آزادی زن خواهان لغو فوری حکم اعدام شهلا جاهد و تمامی احکام اعدام در زندان های رژیم است. سازمان آزادی زن از شما مردم آزادیخواه و برابری طلب که تا کنون بارها در مقابل اینگونه جنایات رژیم اسلامی ایستادگی کرده اید، می خواهد که یکبار دیگر صدای اعتراض تان را بشکلی رسا و متحد علیه حکام اعدام بلند کنید. وقت زیادی باقی نیست. این پروسه مرگ تدریجی را می شود متوقف کرد.

سازمان آزادی زن پتیشنی برای محاکمه سران رژیم اسلامی تهیه کرده است، از شما می خواهیم که این پتیشن را امضاء کنید:

www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?mk072009

زنده باد آزادی زن
آزادی، برابری، رفاه حق مسلم ما است
سازمان آزادی زن
۱۳ ژوئیه ۲۰۰۹

سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran



رژیم اسلامی در صدد اعدام شهلا جاهد طبق گفته رسانه های رژیم اسلامی، قرار است شهلا جاهد بزودی اعدام شود

مبارزات گسترده ای علیه اعدام های وحشیانه رژیم اسلامی انجام گرفته است. این مبارزات موفقیت هایی نیز کسب کرده اند و تاکنون از اعدام تعدادی جلوگیری کرده اند. اما در شرایط اوجگیری اعتراضات حق طلبانه مردم برای آزادی، برابری و رفاه رژیم اسلامی طی ماه گذشته بیش از ۵۰ نفر را اعدام کرده و در صدد است ۱۲ نفر دیگر را نیز بزودی اعدام کند. در این میان شایعه اعدام قریب الوقوع شهلا جاهد وسیعاً پخش شده است.

اکنون شرایط بسیار حساسی است. رژیم اسلامی حکم سرنگونی خود را در خیابان ها شنیده است. سقوط و خواری را در مقابل چشمان خود می بیند. از این رو وحشیانه سرکوب میکند. هر روز تعداد زیادی را دستگیر و شکنجه میکند. تعدادی جوان تاکنون زیر



پتیشن ما را امضاء می کردند.

در همین راستا و درجهت جلب حمایت شهروندان گوتنبرگ، تلاش خواهیم کرد در روزهای زوج هفته های آینده نیز میز اطلاعاتی را در محل برونس پارکن واقع در مرکز شهر گوتنبرگ برقرار سازیم. آدرس تومار اعتراضی مشترک سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی:

<http://www.petitiononline.com/mk072009/petition.html>

زنده باد آزادی زن

سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران

Tel: 0046 0737 262622

www.azadizan.net

سازمان آزادی زن Women's Liberation - Iran

گزارش برگزاری میز اطلاعاتی سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی!

بدنبال چاپ و توزیع وسیع دادخواست سازمان آزادی زن و مرکز پیگرد رژیم اسلامی، واحد گوتنبرگ سازمان آزادی زن بمنظور جلب حمایت مردم از این دادخواست و مبارزه مردم برای آزادی، برابری و رفاه، در روز ۱۷ تیر اقدام به برگزاری میز اطلاعاتی در مرکز شهر گوتنبرگ سوند نمود. سه خواستی که در این دادخواست مطرح شده است بقرار زیر است:

۱- رد اعتبارنامه رژیم اسلامی بعنوان دولت ایران و اخراج مقاماتش از همه نهادهای بین المللی؛
۲- مسدود کردن حسابهای سران رژیم اسلامی در بانکها و نهادهای بین المللی؛

۳- محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم ایران؛ قابل ذکر است که به دلیل همزمانی با دهمین سالگرد روزهایی که جنبش سرنگونی طلبی لریزه بر اندام رژیم اسلامی انداخت، نمایشگاهی از سرکوب مبارزات دانشجویی در سال ۷۸، جنبش زنان، جنبش کارگری و اعدام جوانان در محل نصب شده بود. صدها اطلاعیه توسط فعالین سازمان آزادی زن پخش شد. در طی ۴ ساعت برپایی میز اطلاعاتی، رهگذران و بخصوص جوانان در عین ابراز انزجار از رژیم جمهوری اسلامی با اشتیاق فراوان

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آنر ماجدی: azarmajedi@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: azadizan@gmail.com

آدرس سایت: www.azadizan.net یا www.azadizan.com

www.azadizan.com